

بحث در حقوق جزائی فرانسه

مقصود از حقوق جزائی چیست ؟

مقصود از حقوق جزائی تشخیص نوع بزه و طبقه بندی آن همچنین تعیین کیفر و تشکیل مراجعی است که برای قضاوت در کار لازم است - عالم اجتماع هیچگاه برای تخیلات و افکار همچنین تصمیماتی که برای ارتکاب بزه صرفاً در نهائی و بدون اقدام خارجی گرفته میشود مجازاتی تعیین نموده بلکه کیفر را در مقابل ارتکاب عمل قرار داده است یعنی عمای که پیر و میل و اراده بوسیله جنبش های بدنیه واقع میشود گناهان موضوع قوانین کیفری مثل اموری که در قوانین روحانی مورد بحث واقع است نبوده در قوانین روحانی افکار ذمیمه و تخیلات قبیحه هم متعاقب به کیفر و عدم اطاعت نسبت بقوانین آسمانی و لودر مرحله فکری هم باشد ایجاب عقوبت میکند چه آنکه قوانین آسمانی مستقیماً مربوط بخدا بوده و قادر متمال قدرت دخالت در افکار بشر و تشخیص احساسات را داشته نیت خوب را پاداش و افکار بد را کیفر میدهد - لکن چون موضوع قوانین بشری تعیین روابط بین افراد است از آنجائیکه عمل ناشی از ناحیه گناه کار در نظم جامعه و حیات اجتماعی ایجاد اختلال میکند وقتی شایسته کیفر است که بوسیله عملیات مخصوصی حیثیت عمومی جریحه دار شده باشد نه صرف توهمات و افکار برای اینکه عملی جزائاً گناه تلقی و مورد کیفر واقع شود لازم است که نوع عمل قبلاً بوسیله قانونی گناه شناخته شده و قانونگذار هم مرتکب را تهدید به سزا و کیفر کرده باشد و باعتبار اینکه مجازات مرتکب بدست دولت انجام میگردد لازم است قبلاً بوسیله قوانین موضوعه نهی یا جواز خاصی برای ارتکاب عمل موجود باشد - بحث لزوم قوانین

و مقررات جزائی در عالم تمدن امروزی مقبولیت تام داشته و باعث حفظ امنیت و نظم و آسایش اجتماعی شده است .

تعریف بزه از نقطه نظر اجتماعی

قدر مسلم این است که قانونگذار در بادی امر و بدون مقدمه اموری را که بزه تلقی شده است ابتکار نکرده بلکه موضوع بزه همچنین اشباه و نظایر آنرا توصیف نموده ارتکاب بعضی از عملیات همچنین خودداری از فعل و انفعال سری دیگری از امور را بزه شناخته است بزه های مورد بحث بر دو قسم است :

یکی بزه هائی است که در اثر سهل انگاری و غفلت یا بی احتیاطی واقع شده و قانونگذار مرتکب را از لحاظ بی انظباطی یا عدم احتیاط سزا میدهد - دیگر بزه های عادی و معمولی است که مرتکب بعلت سوء قصد یا میل و اراده غلط گرفتار عقوبت و کیفر میشود و بهر دو تقدیر وقوع عمل یا خود داری از فعلی که منحل انتظامات عمومی و حیثیت اجتماعی است ایجاب مجازات برای مرتکب یا ممتنع میکند ولی باید دانست اموری که در عصر حاضر و محیط ما بزه تلقی شده است در همه اوقات و در تمام امکان به يك کیفیت نبوده و بر عکس هم اموری که در اعصار قدیمه نزد مللی بزه فرض شده امروز در حیات فعلی بزه شناخته نمیشود - مطلب دیگر که قابل تعمق بنظر میآید این است بگوئیم آیا بین گناهانی که در قوانین و عصر فعلی ما بزه شناخته شده است نوعی وجود دارد که در تمام ادوار و نزد همه ملل مورد کیفر واقع شده باشد ؟؟؟ نسبت به این موضوع لاینحل نمیتوان پاسخ صحیحی داد زیرا که در افکار و احساسات اجتماعی همه روزه تغییرات پیدا شده و نسل

هائی که جانشین اسلاف خود میشوند بدیهی است بتمام کیفیات اخلاقی گذشتگان باقی نخواهند ماند بنابراین حد نهائی برای بزه های طبیعی متصور نیست ولی قدر مسلم این است که بزه همیشه فعل وانفعال و یا امتناع و خودداری از عملیاتی بوده است که بنا بر عقیده اکثریت افراد توده گناه شناخته شده و به حیثیت اجتماعی و انتظامات عمومی هم کم و بیش صدمه وارد آورده است خلاصه و مجمل کلام این است در تمام موارد بزه چهار عامل مشترك وجود دارد که مقامات صالحه قضائی عمل را با آن عوامل تطبیق و به بزهکاری اشخاص قضاوت میکنند:

يك عامل قضائی

عالم قضاوت باید قبلاً توجه کند به اینکه فلان عمل طبق فلان قانون بزه شناخته شده است. بنابراین باید دانست در چه زمان و مکان و در مورد چه اشخاصی قانون جزا قابل اجرا میباشد زیرا که قوانین اساسی بین المللی هم تا حدود مخصوصی از اجرای قوانین جزائی در موارد معینی جلوگیری کرده است.

يك عامل مادی

عالم قضائی باید در نظر بگیرد که بزهکار مرتکب فلان عمل و تشخیص کند نوع عمل چیست و درجه تحقق خارجی آن کدام است آیا باید فعل بصورت واقعی در آمده یا اینکه قصد به تنهایی مؤثر در وقوع است

يك عامل اخلاقی

عالم قضائی در نظر میگیرد که اتهام بزه کار منجز و عمل او مسلم است. مبحث گناهکاری حاوی اوصاف و مشخصاتی است که قبلاً برای وقوع بزه فرض شده است.

يك عامل حاکی از عدم استحقاق و شایستگی

ممکن است عملی که قانوناً بزه شناخته شده و مستحق عقوبت و کیفر است در موارد محدود و استثنائی

مشروع و با جواز قانونی فرض شود مثل اینکه شخصی عملی را که داخل در سری گناهان است با طیب خاطر و بمیل و فراغت انجام داده لکن دارای اختیار قانونی یا وظائف مخصوصی برای فعل و انفعال آن بوده است یا اینکه شخصی عملی را ضروری و برای دفاع از جان و مال یا عرض و ناموس خود مرتکب شده باشد که در هر دو مورد با اینکه عمل جزائی و شایسته کیفر است لکن بزه کار چون استحقاق و جواز قانونی برای فعل آن داشته است مورد سزا و عقوبت واقع نمیشود علاوه بر عوامل چهار گانه مذکور دو موضوع دیگر مورد نظر است یکی وقوع بزه بعلمت فعل و انفعال یا خودداری و امتناع از لحاظ جهات و مراتب مادی که در این مورد عوامل مؤثر وقوع را در نظر میگیرند - دیگر گناهکاری فاعل عمل یا خودداری ممتنع.

مطالعه در اطراف موضوع اول باعث تشریح و توجیه بزه و قسمت دوم امان نظر راجع به وضعیت بزه کاران است. در تمام قوانین جزائی عالم دو قسم گناه وجود دارد که از لحاظ نوع و کیفیت از یکدیگر متمایز است. یکی گناهان عمومی و عادی است که منافعی با اخلاق عمومی و وجدان اجتماعی است مثل سوء قصد نسبت به حیات و زندگی یا صحت و سلامتی یا مال و یا امثال آن که مرتکبین را عرفاً در عداد گناه کاران و تقصیر داران شناخته اند. دیگر لغزشهای معمولی است که از لحاظ اخلاق و کیفیات عمومی منهی خاصی نداشته ناقض مقررات قضائی هم نیست لکن دولت از نقطه نظر حسن انتظام امور امنیت داخلی - بهداری عمومی و امثال آن بوسیله وضع مقرراتی جنبه جزائی برای لغزش کاران قائل شده است.

قانون جزای فرانسه این دو کیفیت را شناخته لکن در عالم تطبیق اعمال با انواع گناهان از نقطه نظر قضائی سه تقسیم بندی قائم شده است: تبه کاری (جنایت) بزه (جنحه) لغزش (خلاف).

مثل اینکه در قانون کیفر همگانی ما هم گناهان را بهمین طرز طبقه بندی کرده اند.

کلمه کیفر در اصطلاح معمولی و عادی عبارت از مشقت و زحمت - درد و صدمه یا بدی است و حال آنکه در عرف قضائی و فنی کیفر عبارت از صدمه ای است که از طرف مقامات مربوطه نسبت بگناهکاری که طبق تصمیم قضائی تقصیرش مسلم شده است وارد آمده و منظور اصلی هم حفظ منافع و مصالح نظام همه گانی است - جزا و کیفر ممکن است باعث محرومیت کلی یا قسمی از اموالی یا حقوقی باشد که در عرف و عادت دارای اهمیت مخصوصی شناخته شده است و بین حقوق و امتیازاتی که بشر در مقام اجرای یک تصمیم قضائی ممکن است محدود یا محروم از آن بشود دو جهت قائل شده اند یکی حقوقی است که آدمی در خلال مدت زندگانی آنرا تهیه کرده و بدست آورده است مثل حقوق راجحه به مالکیت عینی یا حق اقامت و یا حق نسب و فامیل - دیگر حقوق طبیعی مثل حیات و زندگانی یا آزادی.

در ایام پیشین که امور جزائی بجهت اخلاقی و تمدن نزدیک نبود زحمت و عذاب گناهکاران همچنین ایجاد صدمات و لطمات بر آنها نقطه نظر اصلی واقع و به در حیثیت متصور میشد: یکی نوع کیفر و صدماتیکه مدتی گناهکار باید متحمل شود - دیگر تنوع کیفر و تعدد آن لیکن تغییراتی که اخیراً در عالم جزائی پیدا شده و تکاملاتی که اخلاقاً حادث گردیده قوانین جدیدی تا حدودی آزادیهای بدنی را به جزاهای نقدی و غرامات مالی تبدیل کرده ضمناً هم سهل و ساده کردن سیستم جزائی مطمح نظر واقع شده.

تعیین کیفر زندان با رعایت نوع و مدت و شرایط اخلاقی قوانین جزائی ملل متمدنه را تشکیل داده است. در اساس قوانین جزائی فرانسه سه نوع از کیفر اصلی موجود است: کیفر بدنی - کیفرهایی که آزادی

گناهکار را محدود یا محروم میکند - کیفر و جزاهای نقدی.

الف - تنها کیفر و مجازات بدنی که در قانون جزای فرانسه وجود دارد کیفر مرگ است که بطور سهل و ساده و بدون هیچگونه آزار و شکنجه دیگری بموقع اجراء گذارده شده آخرین و کاملترین مصداق اجرای مفهوم قوانین جزائی است - کیفر مذکور آنهم بطور نادر و کمیابی در مورد تبه کارانی که سوء قصد های مهمی نسبت بجان افراد توده نموده از نعمت حیات و زندگانی کسی را محروم کرده اند اجراء می شود - همچنین کیفرهایی که باعث محروم و یا محدود کردن آزادی گناهکاران شده و یا محکومیت های بجزای نقدی و سیاسی تشکیلات حقوق جزائی فرانسه مثل سایر کشورهای دیگر است.

ب - کیفرهایی که باعث محروم و یا محدود کردن گناهکار از آزادی میشود به نسبت نوع گناه و اهمیت آن و همچنین میزان گناهکاری و جهات اجتماعی گناهکار تعیین شده از لحاظ مدت و نوع زندان هم از یکدیگر متمایز است.

از نقطه نظر مدت و دوام یکی زندان دائمی است که تقریباً با حیات و زندگانی زندانی رل مهمی بازی میکند که در این مورد هم ممکن است زندان دائمی با کارهای سخت و یا زندان دائمی در اماکن محفوظ آنهم بنحو تنهائی و مجرد باشد و نیز زندانهای موقت است که از یک روز الی ۲۰ سال ممکن است دوام داشته باشد - زندان موقت با کار - تبعید - اقامت اجباری در یک محل - زندان تحت نظر - زندانهای تأدیبی یا تکدیبری برای حفظ انتظامات عمومی در قانون جزا وجود دارد - دوام زندان بسته به نظر قاضی و شرایط و مقرراتی است که قانوناً پیش بینی شده است به این معنی قاضی باید تعیین کند که گناهکار چند روز یا چندماه و یا چندسال در زندان

خواهد ماند و نیز طبق قانون جزای فرانسه ممکن است گناهکار را در زندان های موقت با دائمی نواحی اقامتگاه او بازداشت یا در زندانهای مستعمراتی توقیف نمایند و از اینکه نوع زندان عادی و یا زندان با کارهای سخت و دشوار باشد.

ج - کیفرهای نقدی که در قانون فرانسه پیش بینی شده بر دو نوع است: یکی محکومیت های بجزای نقدی - دیگری توقیف اموال.

کیفرهای پولی و نقدی یعنی محکومیت گناهکار بپرداخت مبلغی پول طبعاً دارای دو عیب است: یکی آنکه کیفیت اجرای آن در مورد اشخاص نیازمند و بی نیاز یکسان نیست - دیگر آنکه از حیث اجراء بی اثر است

زیرا که در مورد اشخاص بی چیز قابل اجراء نمیباشد برای احتراز از ابتلای به این دو عیب قانون کیفر فرانسه اختیارات کامله به قضاة برای تعیین رقم و مبلغ آن تمویض نموده ضمناً هم تزییعات و توقیف بدنی را در مورد امتناع از پرداخت برای تسهیل اجرای مقررات آن اجازه داده است که بالطبع اشخاصی که قدرت مالی برای تأدیه پول ندارند توقیف خواهند شد - و توقیف اموال که بالتبینه مالکیت مالک سلب و برای دولت حق مالکیت ایجاد میکند که فقط در موضوع - محصول و آلت بزه جاری است و با توقیف اموال که بنحو مطلق سابقاً اجراء میشده و بعداً طبق فرمان ۱۸۱۴ ملغی شده است خیلی مفایرت دارد -.